

بررسی اثر تاریخ تصوف (جلد اول): سیر تطور عرفان اسلامی از آغاز تا قرن ششم هجری

محی‌الدین قنبری^۱

چکیده

بررسی انتقادی کتاب درسی تاریخ تصوف (جلد اول): سیر تطور عرفان اسلامی از آغاز تا قرن ششم هجری اثر مهدی دهباشی و سید علی اصغر میرباقری فرد، عدم تناسب تعاریف عرفان و تصوف با دوره موضوع مطالعه (از آغاز تا قرن ششم هجری) را می‌رساند. بخش عمده این کتاب بازنویسی تذکره‌های صوفیان است و در پردازش به اهم مباحث و نسبت‌های تصوف با دین، عرفان و تشیع نیاز به بازنگری و تکمیل دارد. این اثر فاقد هدفگذاری و برنامه ریزی درسی و سازماندهی متناسب با توجه به آموزش در یک نیمسال است.

واژگان کلیدی:

تصوف، تاریخ تصوف، عرفان اسلامی، کتابهای درسی

^۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور

۱. مقدمه

کتاب «تاریخ تصوف (جلد اول): سیر تطور عرفان اسلامی از آغاز تا قرن ششم هجری» اثری است از آقای دکتر مهدی دهباشی و دکتر سیدعلی اصغر میرباقری فرد که بنا بر سخن سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها؛ ص چهار) برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی در تمام مقاطع تدوین شده (زمستان ۱۳۸۴) و ویراست دوم آن در چاپ هفتم (زمستان ۱۳۹۴) به دست علاقمندان این دامنه از تاریخ و فرهنگ ایران اسلامی رسیده است. بررسی شکلی، محتوایی و ارزیابی کلی این اثر به عنوان یک کتاب درسی هدف جستار پیش رو است. بررسی حاضر با توجه به نوبت چاپ هفتم همین اثر با ویراست دوم (۱۳۹۴) انجام می‌شود و چاپ هشتم (۱۳۹۶) آن نیز به بازار نشر آمده است. به جهت اختصار، ارجاع به کتاب مورد بررسی در پراکنش و تنها با ذکر شماره صفحه درج می‌شود.

۲. معرفی و توصیف شکلی اثر

کتاب تاریخ تصوف (جلد اول) با جلد شومیز در قطع وزیری، دارای فهرست‌های مطالب و منابع و فاقد فهرست اعلام است. این کتاب از دو پیشگفتار دو صفحه‌ای از مؤلفان ارجمند و چهار فصل در ۲۶۴ صفحه به قرار زیر برخوردار است:

- فصل اول: جایگاه عرفان و تصوف در معارف و علوم اسلامی (۳۲ صفحه)
- فصل دوم: سرچشمه عرفان اسلامی (۱۸ صفحه)
- فصل سوم: سیر تصوف و عرفان اسلامی از آغاز تا قرن هفتم هجری (۱۱۲ صفحه)
- فصل چهارم: سیر و سلوک (۸۷ صفحه)

کتاب یاد شده به برنامه ریزی درسی توجهی نداشته و برای یک نیمسال سازماندهی نشده و فاقد اهداف درسی در آغاز هر درس و پرسش‌های لازم در پایان آن است. همچنین به جز پایان فصل دوم (سرچشمه عرفان اسلامی) که یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به چشم می‌خورد، در انتهای دیگر فصل‌ها تحلیل و جمع‌بندی‌ای از آن‌چه گذشت دیده نمی‌شود؛ البته در میانه فصل چهارم (سیر و سلوک) جمع‌بندی‌ای از گوناگونی منازل عرفانی با درج عنوان انجام شده است. کتاب فاقد جداول و نمودار است ولی در صفحه ۲۱۹ دو الگو در نمایش اسباب و

نشانه‌های «خوف عقوبت» و «خوف مکر» وجود دارد. ارجاعات به صورت پانویست با ذکر نام کتاب و شماره جلد و صفحه انجام شده است.

۳. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

این بخش از تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر با توجه به ساختار کتاب انجام می‌شود:

۳-۱. پیشگفتارها:

در پیشگفتار نخست کتاب (۱۳۸۴) از یک سو تذکره‌های صوفیانه، مهم‌ترین منابع در زمینه متون عرفانی معرفی شده و در ادامه بخش زیادی از آنها متعارض با مستندات تاریخی دانسته شده (ص یازده) و در متن بدون توجه به همین مهم تذکره و احوال هر یک از عارفان توصیف شده و نقد و بررسی‌ای در این مورد انجام نمی‌شود که کدام گزاره‌ها در این تذکره‌ها خلاف مستندات تاریخی است و اگر این روشن نیست چگونه در آغاز چنین حکمی داده شده و ارجاعات کتاب تاریخ تصوف بر آن استوار شده است؟! مؤلفان گرامی در پیشگفتار نخست به درستی بر ضرورت توجه به زمینه‌های پیدایش تصوف و آرای مشایخ و سیر تألیف متون عرفانی تأکید کرده و این مهم را تا اندازه‌ای در بررسی کلی تصوف و نه در مورد مشایخ و آثار آنان به انجام رسانده‌اند.

این مجموعه قرار بوده که در سه جلد منتشر شود و مؤلفان ارجمند ب روشنی اشاره نمی‌کنند که برای چه عنوان درسی در چه مقاطعی و در چه رشته‌هایی آن را در نظر گرفته‌اند ولی حسب اطلاع نگارنده این تقسیم بندی با سه درس تاریخ تصوف ۱ تا ۳ در رشته الاهیات و معارف اسلامی گرایش ادیان و عرفان مطابقت دارد. جلد دوم این اثر به کوشش دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد ۱۰ سال پس از چاپ نخست جلد اول منتشر شد (۱۳۹۴).

۳-۲. فصل اول: جایگاه عرفان و تصوف در معارف و علوم اسلامی

- «مسئله معیار» در این فصل مؤلفان را به دشواری انداخته است؛ از یک سو با ضرورت تعریفی معیار از تصوف به رویکردی حکمی و فلسفی گراییده‌اند و با در نظر گرفتن رئوس ثمانیه منطقی در احصاء علوم کوشیده‌اند تا تصوف را در زمره علوم اسلامی و مترادف با عرفان و گاه زیر مجموعه‌ای در اقلیم عرفان اسلامی (به نحو عموم و خصوص من وجه) تلقی کنند (ص یازده). برای پردازش به تاریخ تصوف دو راه می‌توان در نظر گرفت یا آنکه کوشید تا مانند مؤلفان گرامی تعریفی مختار و ملاک و معیاری به دست داد سپس نمونه‌های آن را در گذر زمان توصیف و تحلیل کرد یا آنکه با روش نمونه‌گرایی هر آن کس که در طول تاریخ به اسم و رسم صوفیان یاد شده را برشمرد و بعد با غربال‌گری و توجه به اوصاف و امتیازات

آنان به معیار و تعریفی از تصوف رسید. بر این اساس با توجه به دامنه تاریخی مورد نظر کتاب که از آغاز تا قرن ششم هجری است و متأخر بودن تعاریف حکمی و منطقی‌ای که مؤلفان ارجمند برای کار خود انتخاب کرده‌اند شیوه‌ای مناسب نبوده و با رویکرد تاریخی مغایرت دارد. نویسندگان ارجمند در «اشاره‌ای به تعاریف متقدمان از تصوف» آن را روشی زاهدانه که از شرع کمک گرفته بیان کرده (ص ۱۴) و وجود حق را از حیث اسماء و صفات موضوع عرفان به عنوان علمی کشفی معرفی کرده و چگونگی تجلی و صدور کثرات از واحد را مسائل آن دانسته‌اند (ص ۱۵) حال آن‌که این مسائل و پردازش‌های عرفان نظری با تعاریف متقدمان از تصوف بیگانه است.

- کتاب در تعریف عرفان و تصوف بی آنکه سند و گواهی ارائه کند دو واژه «عرفان» و «تصوف» را در ابتدا و در مبانی نظری چندان از یکدیگر متفاوت ندانسته و در مدعای شرح ال‌اسم گفته در کتب متقدمان آن را طریقتی روحانی دانسته‌اند که با تکیه بر مبانی شریعت و با تهذیب نفس و اعراض از تمایلات نفسانی و متاع دنیوی، از طریق سیر و سلوک باطنی، کمال نفس و وصول حق را غایت خود قرار می‌دهد (ص ۹)؛ حال آن‌که به هیچ عنوان این دو واژه در علم لغت با هم مترادفی ندارند و تازه در اصل واژه تصوف اختلاف بسیار است و شادروان استاد جلال‌الدین همایی در مقدمه مصباح الهدایه به کفایت به آن پرداخته است. مؤلفان، واژه عرفان را در متون قدیم اسلامی، مقدم بر تصوف دانسته و به قرآن و جوامع روایی اشاره کرده‌اند و افزوده‌اند که در قرن اول هجری، نشانی از کلمه «تصوف» و «صوفی» به معنای اصطلاحی دیده نمی‌شود و از کلمات دخیل در زبان عربی است که بیشتر فارسی‌زبانان آن را به کار برده بودند (ص ۹)؛ که خود این بیان مغایر با سخن آغازین مؤلفان گرامی است.

با آنکه عنوان کتاب «تاریخ تصوف» است در اینجا مؤلفان گرامی به معنای واژه «عرفان» و «معرفت» بیشتر توجه کرده و سه صفحه به آن پرداخته‌اند و از گزارش معنای تصوف به اندازه سه خط هم خودداری کرده‌اند. پس از آن، مؤلفان ارجمند بخشهایی را درباره عرفان در نهج البلاغه یا الاشارات و التنبیها ابن سینا (۴۲۸ ق) آورده و اقسام عرفان نظری و عملی و نسبتش را با اخلاق بررسی کرده و باز در صفحه ۲۵ با نقل قول همان گردآوری استاد همایی در قسمتی دیگر در بیان معنای واژه «تصوف» از صفحه ۲۵ تا ۳۲ بعینه فصل را پایان داده‌اند و اگر این قسمت هم نبود روشن نبود که در این ۳۲ صفحه چه اندازه از تصوف متقدمان سخنی آورده می‌شد و آن نبود مگر اندکی!

- مؤلفان ارجمند در بیان «تفاوت عرفان و تصوف» ضمن آنکه مبانی آن دو را یکسان می‌دانند با تکیه بر تفکیکی از شادروان استاد مرتضی مطهری که تصوف را ناظر بر جنبه عملی و عرفان را بر جنبه نظری دانسته‌اند؛ حال آنکه در نسبت بین تصوف و عرفان اختلاف جدی است و نظر استاد مطهری جای تأمل

دارد. در این خصوص می‌توان دست کم به آثاری از پژوهشگران معاصر مانند شادروان سید ضیاءالدین سجادی (۱۳۷۵، ص ۸) و استاد منوچهر صدوقی سها (۱۳۹۵، صص ۳۸-۴۲؛ ۱۳۸۳، ۲۱۹-۲۲۴) یا صوفیان متقدم مانند ابوسعید خرگوشی (۴۰۷ ق) توجه کرد که تصوف را به عراق نسبت می‌دهد و اهل خراسان را رهروان راه ملامتیه و محزونان می‌داند (۱۴۲۷ ق، ۲۴).

- وجود برخی مدعیات در متن بدون ذکر منبع و گواه یا استدلالی برای آن نوشته را از اقبال جامعه علمی دور می‌کند. برای نمونه در ص ۶ بر اساس نظر ملا عبدالکریم لاهیجی مؤلف گوهر مراد نوشته شده که «بر این اساس، تمام اکابر صوفیه در ابتدای امر به تحصیل علم پرداخته‌اند و برای نمونه حتی یک نفر از آنان را نمی‌توان یافت که بدون علم به مقام شیخی و قطبیت رسیده باشد.» این سخن اگر چه بر اساس نظر تنی چند از صوفیان باشد مورد اتفاق نیست و از قضا اصطلاح‌ها و انقسام‌هایی در سالکان مانند «مجدوبان سالک» خلاف آن است.

۳-۳. فصل دوم: سرچشمه [های] عرفان اسلامی

این فصل جز آنکه عنوان عرفان اسلامی جایگزین تصوف شده و شاید با این توجیه که اعم از آن گرفته شده قابل مسامحه باشد، پردازشی منسجم و به اندازه داشته و در پایان جمع‌بندی ضمنی هم می‌کند. مؤلفان گرامی می‌توانستند به برخی از آثاری که در پژوهش‌های اخیر در کاوش از آراء و اقوال فقها و حکما و متکلمان مانند نقد صوفی برای مطالعه بیشتر دانشجویان اشاره کنند و از ذکر برخی از آثار غیر متخصصان این حوزه مانند کتاب آشنایی با علوم اسلامی (مطهری، ۱۳۶۲) خودداری کنند. این فصل از یادکرد آثار استادان ارجمندی در این خصوص مانند سعید نفیسی (۱۳۸۳) و ذبیح‌الله صفا (۱۳۷۹) که در همین خصوص کاوش بیشتری کرده‌اند خالی است.

۳-۴. فصل سوم: سیر تصوف و عرفان اسلامی از آغاز تا قرن هفتم هجری

فصل سوم کتاب پیش رو با بیانی از پیدایش تصوف آغازین در قرن دوم از زهد به سمت یک سبک زندگی باطنی و مشرب فکری یاد می‌کند (ص ۵۳ و ۵۴). پس از آن با یاد برخی از شخصیت‌های آن قرن و خلاصه‌ای از خصوصیات این قرن آن را پایان می‌دهد (ص ۶۶ و ۶۷). به طور کلی این روند در قرن‌های بعدی تا پایان قرن ششم ادامه می‌یابد ولی در آن قرون مانند قرن دوم خلاصه‌ای از خصوصیات تصوف در بررسی پایان آن قرن به دست داده نمی‌شود و به گونه‌ای ضمنی می‌توان در آغاز هر قرن مواردی مانند آن را دید. می‌توان این فصل را که طولانی‌ترین فصل کتاب هم هست یک بازنویسی نو از تذکره‌ها و طبقات

الصوفیه‌ها دانست. نام بردن آثار چاپ شده صوفیان قرون مختلف و دیگر آثاری که مؤلفان ارجمند به آن اطلاع داشته‌اند از امتیازات این فصل بر تذکره‌های پیشین است. بیان روشمند تحول و تطور مفاهیم و مشخصه‌های تصوف یا عرفان اسلامی در طول تاریخ می‌تواند زاویه‌ای دیگر از تاریخ آنها را به دست دهد و کار به تکرار تذکره‌نویسی بسنده نیابد.

۳-۵. فصل چهارم: سیر و سلوک

مؤلفان گرامی در این فصل با توجه به مفهوم سفر، با درج قید تسامح و اغماض، به اصطلاح «منزل» توجه بیشتری داشته‌اند و نوشته‌اند که آن «برگزیده عده بیشتری از عرفا است» و شماری از آن به دست نداده‌اند و به نظر نگارنده این اصطلاح «مقام» است که کاربرد بیشتری داشته این بسته به زبان و ادبیات هر قرن می‌تواند متفاوت باشد و می‌باید در این باره دقت بیشتری کرد. در ادامه بحث از مقامات و منازل سیر و سلوک نظر صوفیان متقدم را از کتاب تفسیر قرآنی و زبان عرفانی اثر پل نویا به دست داده‌اند. (صص ۱۷۳-۱۷۷) بیان گوناگونی صوفیان متقدم از مقامات و منازل در این فصل به خوبی انجام شده و نظر ابن سینا، عین‌القضات همدانی و عطار نیشابوری در همین خصوص درج شده است. پس از آن نتیجه‌گیری کلی از مراحل سیر و سلوک و جمع‌بندی آن مؤلفان را به در نظر گرفتن هشت مقام که شاید خود بیانی جدید از مقامات باشد ختم می‌شود. این هشت مقام عبارتند از: یقظه و انتباه، اراده و طلب، تزکیه نفس، احوال، عشق، سکر و حیرت، فناء فی الله و بقاء بالله و بالاخره در پایان منزل توحید. در پایان این فصل مؤلفان به گزارشی از تفاسیر عرفانی قرآن کریم پرداخته و نقش و اهمیت آن را در شکل‌گیری زبان و ادبیات عرفانی از قول محققانی مانند لویی ماسینیون و پل نویا گزارش کرده‌اند.

۴. ارزیابی کلی اثر

کتاب «تاریخ تصوف (جلد اول)» فاقد هر گونه گزارش از پیشینه تحقیق و آثار فراوان منتشر شده در خصوص تاریخ تصوف و امتیازهای این کتاب بر آنها است و از نظر نگارنده امتیاز بارزی بر آثار پیشین ندارد و فاقد مباحثی مهم مانند زبان عرفان و تصوف (فولادی، ۱۳۸۹)، نسبت تصوف و عرفان با دین مانند پژوهشی در نسبت دین و عرفان (یثربی، ۱۳۸۹) یا تصوف و تشیع (الشیبی، ۱۳۸۵) و توجه لازم به جغرافیای متنوع پیدایش جریان‌های عرفانی و تصوف و زمینه‌های متمایز فرهنگی هر کدام از آنها است و اگر انتشارات سمت آن را منتشر نکرده بود بعید بود که توفیقی پیدا کند چرا که آثار فراوانی در همین زمینه به گونه‌ای منقح‌تر و منسجم از جمله از همین انتشارات سمت برای رشته ادبیات (سجادی، ۱۳۷۵) به دست انتشار رسیده است و این کتاب برای رشته

ادیان و عرفان می‌باید بازنگری شده و آثار و آراء بیشتری از پژوهشگران را در نظر بگیرد باشد تا بیش از پیش مورد اقبال جامعه علمی این دامنه باشد.

منابع

- خرگوشی، ابوسعید عبدالملک بن محمد (۱۴۲۷ ق)، *تهذیب الاسرار فی اصول التصوف*، به کوشش امام سید محمدعلی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- دهباشی، مهدی و میرباقری فرد، سیدعلی اصغر (۱۳۹۴)، *تاریخ تصوف (جلد اول): سیر تطور عرفان اسلامی از آغاز تا قرن ششم هجری*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ هفتم.
- سجادی، سید ضیاءالدین (۱۳۷۵)، *مقدمه‌ای بر عرفان و تصوف*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ پنجم.
- شیعی، کامل مصطفی (۱۳۸۵)، *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر.
- صدوقی سها، منوچهر (۱۳۸۳)، *فوائد، در عرفان و فلسفه و تصوف و تاریخ آن*، تهران، انتشارات آفرینش.
- صدوقی سها، منوچهر (۱۳۹۵)، *حکیم عشق: گفتگو با استاد منوچهر صدوقی سها*، به کوشش محمود شیخ، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- صفاء ذبیح‌الله، (۱۳۷۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران، فردوس.
- فولادی، علیرضا (۱۳۸۹)، *زبان عرفان*، تهران، فراگفت.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۳)، *سرچشمه تصوف در ایران*، به کوشش عبدالکریم جریزه‌دار، تهران، اساطیر و مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- یثربی، یحیی (۱۳۸۴)، *پژوهشی در نسبت دین و عرفان*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم.
- یوسف پور، محمد کاظم (۱۳۸۰)، *نقد صوفی: بررسی انتقادی تاریخ تصوف با تکیه بر اقوال صوفیان تا قرن هفتم*، تهران، روزنه.